

پیتر کامنزیند

هرمان هسه

غالی/نماد/پتی

ترجمة بنیاد شوری

ویراستار: غلامحسین سالم



کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران



نشر گویا

عنوان کتاب

سرشناسه : هسه، هرمان، ۱۸۷۷ - ۱۹۶۲م.
Hesse, Hermann

عنوان و نام پدیدآور : پیتر کامنزیند/اثر هرمان هسه : مترجم پرند، سو. پ. /گفتار فرامرز سلیمانی.
مشخصات نشر : تهران : نشر گویا، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۱۹۲ص.
شابک : 978-622-6528-59-7
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
پادداشت : عنوان اصلی: Peter Camenzind.

عنوان دیگر : پیتر کامنزیند.
موضوع : داستان‌های آلمانی -- قرن ۲۰م.
موضوع : German fiction -- 20th century
شناسه افزوده : کشورک، پرند، مترجم
شناسه افزوده : سلیمانی، فرامرز، ۱۳۱۹ -
رده بندی کنگره : PT۳۶۵۱
رده بندی دیویی : ۸۳۳/۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۲۰۶۲۰

عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
پادداشت
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

پیتر کامنزیند

هرمان هسه

ترجمه: پرند کشوری

ویرا بار: غلامحسین سالمی

پیشگفتار: فرامرز سلیمانی

صفحه‌آرا: فرید محمدپور

طرح جلد: غلامرضا یان

چاپ نخست: ۱۳۸۱

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۲۲-۶۵۲۸-۵۹-۷

چاپ: خانه فرهنگ و هنر گویا



نشر گویا

خیابان کریم خان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۸۹

تلفن: ۸۸۳۱۳۴۳۱ - ۸۸۸۲۸۸۸۴

www.gooyabooks.com info@gooyapub.com

حق چاپ و انتشار کلیه مطالب محفوظ می‌باشد.
هرگونه اقتباس و استفاده از مطالب منوط به دریافت اجازه از ناشر می‌باشد.



gooya.publication
gooyabookstore

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۳	فصل اول
۳۹	فصل دوم
۵۵	فصل سوم
۷۹	فصل چهارم
۹۷	فصل پنجم
۱۱۱	فصل ششم
۱۱۲	فصل هفتم
۱۱۷	فصل هشتم

پیشگفتار

۱

داستان‌های هرمان هسه نویسنده آلمانی، مجموعه‌ای اعترافاتی‌ست که رابطه‌ی میان هنرمند و محیط‌اش به تصویر می‌کشد. او در جستجوی طبیعت و حقیقت است و انسان و زندگی‌اش را در این سازنده از تاریخ و تمامی موجودیت جهان می‌داند و بدینسان از تضاد به وحدت و یگانگی می‌رسد. همیشه در این داستان‌ها، دو تن رویاروی یکدیگرند. دو تن که در واقع یک تن یا خود اویند. کشمکش میان روان و تن، هیجان و شعور، هنر و زندگی... تمثیل‌ها و رمز و رازهای شعرگونه‌ی این صوفی سرگردان، کنایه‌ای از زندگی و سرنوشت انسان‌هاست. درگیری هنرمند و جامعه‌ی مدرن است، دستان‌زدن میان هنر و زندگی‌ست. برای نمایاندن رنج‌های بشری که حاصل ستیزها، کشاکش‌ها، جنگ‌هاست، هنرمند، در جهان بینی فردی‌اش، خود اسیر می‌گردد و این اسارت نیز، آفرینش و خلاقیت را در پی دارد.

شخصیت هسه از حوادثی متأثر است که بر زادگاهش، آلمان می‌رود. تأثر خاطری که عواطف او را نسبت به بی‌عدالتی‌های حاکمان فاشیست آلمان، گرگان گرسنه و تیزدندان داستان‌های هسه، می‌سازد و در بیان حالات آدم‌های داستان‌هایش نشان داده می‌شود و هم، در زندگی خود هسه، به صورت تبعیدی

خود خواسته و اعتراض آمیز متجلی می شود. خلاقیت هسه به حقانیت اندیشه و دیدگاه او منتهی می شود و با شکست قدرت حاکم مورد اعتراض او، دلیلی دیگر بر حقانیت نویسنده فراهم می آید.

هسه بدینی امیدوار است. در میان همه ی آن تضادها، تضادی که موجب غنا و شکوفایی ست، و چهره ی یگانه ای که با نام های گوناگون نقش می بندد، نجات دهنده نیز هست. نجات دهنده ی او به هنگام فرا می رسد و ناامیدی ها را می زداید. این خصیصه به ویژه در نوشته های متأخر هسه که ژرف نگتر و جامع تر از پیش بوده می شود.

هسه حاشیه های کوشاست. اسطوره ها و افسانه ها را به کار می گیرد. خیال پردازی می کند. از تجربه و عاطفه ی خود نیز مایه می گذارد و حتی نام قلمی خودش، سینکلر را بر قهرمان داستان می نهد. فرا واقع گرایی (سور رالیسم) هسه او را به طنز می کشاند. طنزی که جا به جا به شعر پهلوی می زند یا شعری که به طنز درمی آید. اما هستی جسمانی را، راوی عبوس و تلخ گفتاری ست که از بلندای روح تا لحظه های عادی و روزمره و زندگی شخصیت های داستان را در می نوردد، تا در عین خیالبافی، هر چه پیشتر واقعی و ملموس باشد.

۲

هرمان هسه، روز دوم ژوئن ۱۸۷۷ در کالو CALW آلمان به دنیا آمد. پدرش نزدیکی از ناشران کار می کرد و پدر بزرگش شرق شناس بود. در سال ۱۸۹۳ در کلیسای پروتستان به کار پرداخت اما پس از چندی آن جا را ترک گفت. این تجربه ها در غالب آثار هسه رخ می نماید. پس از چندی به حرفه ی کتابفروشی پرداخت و بدین ترتیب به فرصتی دست یافت تا ادبیات آلمان و جهان را مطالعه کند و آنگاه به آفرینش شعر غنایی، طرح و قصه بپردازد. رومانتیسم در پایان قرن هیجدهم، بی رُمق و رنگ پریده بود، او در نخستین آثار خود به نئورومانتیسم مالیخولیا و طنز پرداخت و از همین روی نخستین اثرش، شعرهای عاشقانه ROMANTISCHE LIEDER منتشر شد.

داستان «پیتر کامنزیند» PETER CAMENZIND (۱۹۰۴) نام هسه ۲۷ ساله را به شهرت رساند و هر چند که او در آغاز راه بود، نبوغش را با درشت نمایی به نمایش گذاشت. در این داستان کوشش هسه برای پیروزی بر زوال از راه درمان بیگانه‌ای مالیخولیایی، با فعالیتی نوپرستانه و بازگشتی به طبیعت نشان داده می‌شود. پیتر کامنزیند، مرد جوانی را تصویر می‌کند که کوشش دارد تا طبیعت، استعداد آفریننده‌اش را کشف کند. با آغازی که زیر تأثیر کتاب‌های مقدس است:

«راغاز افسانه بود و خدا در نمودن خویشتن خویش ...»

هسه یاران، از همان آغاز راه، روحیه‌ی صوفی منشانه‌ی خویش را نشان می‌دهد و هر سال روحیه است که در سال‌های آخر عمر به انزوایش می‌کشاند. او از روستایی کوهستانی واقع در سویس راه می‌افتد تا به جهان بیوندد و با زدودن زشتی‌های خویش، انسان پاک و والا شود. هسه به تقریب در تمام داستان‌هایش این طرح را دنبال کرده است. طرح از میان برداشتن تاریکی، تا نور نمایان شود. یک نوع پرده بر روی تصویر چهره‌ی خود یا نوشتن زندگی نامه‌ی شخصی. هسه، هنر ناب انسان را با پرداخت به جزئیات و لحظه‌های جوانی آغاز کرده است. دریافت طبیعت، گام زدنی در سایه‌ها و تجدید خاطره‌ی یک زندگی با تمام فراز و نشیب‌هایش. مردی با رومی می‌شاید، با عشقی به طبیعت و دقیق شدن در اجزای آن که روحیه‌اش شبیه هنر فیثاغورس است و هیجاناتی که اکنون، در آرامش، به یاد می‌آید. داستان عشق به دنیا می‌در زمان تحصیل در زوریخ و سفرهایش به ایتالیا.

پیتر کامنزیند به وجوه بسیار بر سفرهایی که هسه بعدها بارها به آن در کتاب‌هایش مکرر می‌کند، سایه افکنده است.

هسه در ۱۹۰۵ داستان اعجوبه را منتشر کرد و آنگاه در ۱۹۰۶ زیر دنده‌های چرخ را نوشت که در حقیقت مشارکتی در به اصطلاح مکتب داستان مدرسه بود که

در آن زمان رواج فراوان داشت.

از ۱۹۰۷، هسه، داستان‌های کوتاه فراوانی را منتشر کرد. او معتقد بود این داستان‌ها قابل چاپ نیستند زیرا که تنها بازگو کننده‌ی رویاهای پنهان، آرزوها و اندوه تلخ اویند و با جهان سر و کار ندارند اما طرح شخصیت ادبی هسه، بی‌گفتگو از این داستان‌های کوچک، ناقص می‌ماند. نیز، این آثار، پایه و مایه‌ی داستان‌های بلند را در خود دارند.

در داستان گرتروود (۱۹۱۰) و روس هالده ROSS HALDE (۱۹۱۳)، هسه زندگی و روانساختی و روشی نرمش ناپذیر داشت. در ۱۹۱۱ هسه سالک عارف، به شرق می‌رود تا آرام گیرد اما جنگ جهانی اول آغاز می‌شود. هسه دنباله‌ی کارهای ادبی اش را رها می‌کند، پسر سومش دچار بیماری سختی می‌شود و در همسرش، نشانه‌های بیماری روانی ظاهر می‌شود. زندگی خانوادگی‌اش از هم می‌پاشد و جنگ و تنهایی، هسه را به انزوا می‌کشاند. مطبوعات آلمان او را یک صلح طلب خائن می‌نامند و او که آلمان را ترک کرده در ۱۹۲۲ تابعیت سوئیس را می‌پذیرد.

۴

در همین سال‌های جنگ جهانی اول بود که هسه به رانشاسی یونگ علاقمند شد. او ابتدا فروید را خواند و سپس مورد روانکاوی یونگ قرار گرفت و چندی را در یک «روان آسایشگاه» گذراند. نولپ KNULP را منتشر کرد که به فارسی با عنوان داستان دوست من چاپ شده است و بالاخره ضربه‌های پیاپی این تجربه‌ها، منجر به نوشتن داستان دمیان (۱۹۱۹) شد. دمیان، مقام هسه را در ادبیات آلمان محکم کرد و قدرت آفرینش او را نشان داد. هسه در این داستان، تجربیات بیانی تازه‌ای را به کار گرفت و ناخودآگاه یک جوان و روانکاوی او را مورد بحث و گفتگو قرار داد. بافت داستان، بر مبنای روانکاوی

یونگ است و خط ارتباط حوادث و شخصیت‌ها عارفانه طرح ریزی شده است. هسه به تجربه‌ی گذشته و حال خود پرداخته، رابطه‌ی میان ادبیات و روان را کشف کرد و همانند داستان پتر کامزیند، از فصول کتاب مقدس، بهره‌ی فراوان گرفته است تا ستیز دو عنصر نیکی و بدی را برای رسیدن به کمال انسانی و دریافت حقیقت وجود بنمایاند.

در انکاوی و درگیری‌های ذهنی هسه در جهت مذاهب، به ویژه مذاهب شرقی، از این پس بیشتر نمایان است. سیدارتا (۱۹۲۲) افسانه‌ای مذهبی‌ست برای یافتن نقش انسان در این سرای خاکی و کوشش و تلاش برای رسیدن به حقیقت از راه اندیشه‌ی بودا، اما، در عین حال اعترافات روانشناسانه‌ی هسه را نیز شامل می‌شود.

داستان گرگ بیابان (۱۹۲۷)، داستان فردی‌ست که غالباً با بدبینی و نومییدی پذیرفته می‌شود. فردی که در میان فردگرایی و تمایلات بورژوازی که با آن نیز سر جنگ و جدال دارد. روی‌نالر (با همان حروف اول اسم هرمان هسه) کشتی شکسته‌ای روان پریش است که گاه خود را تأیید می‌کند و گاه قصد تخریب خود را دارد و در آستانه‌ی خودکشی، خویشتن را باز می‌یابد و در تشییع جنازه‌ی خود شرکت می‌کند و از این راه به زندگی تازه‌ای می‌رسد. هسه، گرگ بیابان را مکمل سیدارتا می‌داند. داستان عجیبی در لباس طنز، ادعای نامیه‌ی علیه دوران، نمایشی از بیماری قرن شکست‌ها و نامرادی‌ها و بالاخره کمال کار نویسنده.

در نرگس و زرین دهن (۱۹۳۰) نیز کشمکش میان دو عامل روانی انسان و دوگانگی ذهن و احساسات نمایانده شده است و سفر به شرق (۱۹۱۲) اوج توجه فراوان هسه به فرهنگ مشرق زمین و بازگشت او به سنت رومانتیک است. روایتی به کنایه بی طنزآمیز از سفری درونی به شیوه‌ی افسانه پردازی یونگی، سرشار از اشارات پنهان و بازی نام‌ها تا آرمان نویسنده را بیان کند. آرمانی که جا به جا با واقعیت عجین شده است. شاید هسه می‌خواسته است

که واقعیات جاری را پشت خیال پردازی‌ها پنهان کند. این پنهانگری و آرمانگرایی در داستان بلند بازی مهره‌های شیشه‌یی (۱۹۴۳) ادامه پیدا می‌کند با جامعه‌یی که بر آرمانشهرش در سال ۲۰۰۰ تکیه دارد. در اینجا نیز هسه واقعیات بیرونی و عینی را با تخیلات درونی به هم می‌آمیزد و یکی می‌کند و در این اختلاط و آمیزش، گذشته به آینده پیوند می‌خورد و نویسنده نیز خود را به جریان این روند می‌سپارد تا بر عظمت و گستردگی آن بیافزاید.

کارل وستاه یونگ، در پیشگفتاری بر «کتاب تبتی مردگان» نوشت: «آسان‌تر، قانع‌تر، مؤثرتر و قانع‌کننده‌تر است که بگوییم بر من می‌گذرد، تا بگوییم من انجامش می‌دهم.»

هسه راه آسان‌تر، خاطم، مؤثرتر و قانع‌کننده‌تر را برگزید و هر چند که خود را در انجام فاجعه شریک می‌داند و در انکار این مشارکت با خودکامگان حاکم بر فرهنگ و تمدن نژادگسرن خواه خود بود، به نوشتن داستان‌هایش پرداخت تا هویت خود را باز شناسد و به مردی که اینک از آن خود نمی‌دانست اما همچنان از آن آنان بود باز شناساند.

داستان‌های هسه سرگذشت مردی است که نگاه دریده‌اش را بر تاریخ امروزگارش خیره می‌کند تا روند رویایی هراسناک را توقف کند. هم از این روست که او از غرب قطع امید می‌کند و به سوی شرق روی می‌آورد. مسافری که داستان زندگی خود را با پرده‌پوشی و افسانه‌پردازی باز می‌نویسد، در ادگاهی که به محاکمه‌ی عصیان‌گری خردپیشه، در قلمرو پندارهایی آشفته و اندوهناکش نشسته است.